

از قربانیان تا فاتحان: چالش کوردها برای دولت در خاورمیانه^۱

اofرا بنگیو^۲
داریوش پیری

ایده دولت-ملت در بخش عمده قرن بیستم برسیستم سیاسی خاورمیانه حاکم بوده است. در آن سیستم، برای گروه‌های اقلیت اتنیکی که جهت حفظ هویت خود با دولت-ملت‌های غالب «ترک»، «فارس» و «عرب» مبارزه می‌کردند، فضای بسیار کمی وجود داشت. این موضوع بویژه در مورد کوردها، که قلمرو اصلی زندگی آنها میان چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه گسترده است، صادق بوده است. با این حال کوردهای این چهار کشور بطور همزمان مفهوم «کوردستان بزرگ»^۳ را بتدریج گسترش دادند، در واقع زیرسیستمی^۴ برای خود خلق کردند که یک چالش برای نظام مستقر و پارادایم غالب ایجاد کرد.

این مقاله چندین استدلال بهم پیوسته را مطرح می‌کند. اول، با شروع قرن بیست و یکم مشروعیت دولت-ملت موجود در هلال حاصلخیز^۵ منطقه بین‌النهرین^۶ فرسایش یافته است. دوم، ظهور زیرسیستم منطقه‌ای پان‌کردی هم عامل مهم این فرسایش و هم نتیجه عمده آن می‌باشد. سوم، ارتباط میان مناطق مختلف کوردی همواره وجود داشته است، هرچند این ارتباط اغلب

1. From Victims to Victors: The Kurdish Challenge to the State in the Middle East. In Fonkem, Achankeng. (2015), Nationalism and Intra-State Conflicts in the Postcolonial World, Lexington Books. pp. 247-259

2. Ofra Bengio

3. Greater Kurdistan

4. Subsystem

5. Fertile Crescent

6. Mesopotamian region

بصورت آرام و عمدتاً پنهان از دید دیگران بوده است. چهارم، با آغاز قرن بیست و یکم ناسیونالیسم فرامرزی کوردی به نقطه ای بحرانی رسیده و به یک تهدید برای سیستم دولتی موجود تبدیل شده است.

● واژه شناسی^۷

در بیشتر آثار علمی درباره کوردها در قرن بیست همواره از کوردها بعنوان یک اقلیت ذکر شده است. با توجه به دیدگاه محققانی مانند گابریل بن دور (۱۹۹۹)^۸، انواع مختلفی از اقلیت وجود دارد که شامل اقلیت اتنیکی، مذهبی، سیاسی، متراکم^۹ و پراکنده^{۱۰} می باشد. کوردها، اگرچه ممکن است ویژگی های اقلیت اتنیکی، مذهبی و متراکم را دارا باشند. اما در عمل نه خود کوردها و نه کشورهای که در آن زندگی می کنند با اطلاق برچسب اقلیت به کوردها راحت نیستند. ناسیونالیست های کورد استدلال می کنند که کورد زبانان شامل یک ملت سی میلیونی هستند که در منطقه ای به اندازه کشور عراق زندگی می کنند، همین مساله آنها را به سومین ملت بزرگ خاورمیانه تبدیل کرده و در نتیجه نمی توان به آنها بعنوان یک اقلیت نگریست. نخبگان حاکم نیز تمایل ندارند از واژه «اقلیت» استفاده کنند زیرا آنها بر رده بندی هویت کردی در چارچوب هویت ملی «ترکی»، «عربی» و «ایرانی» تاکید می کنند. جالب اینکه در معاهده لوزان در سال ۱۹۲۳ ترکیه یهودیان و مسیحیان را بعنوان یک اقلیت مورد شناسایی قرار داد و به آنها اجازه داد تا از زبان خود استفاده کنند، اما شناسایی آن حق برای کوردها را انکار کرد، درست همانند امپراطوری عثمانی که دیگر اقلیت های مذهبی^{۱۱} را به رسمیت شناخت و در مقابل این حق را برای دیگر گروه های مسلمان به رسمیت نمی شناخت. (Kirisci & Winrow, 1997)

مفهوم دولت-ملت بصورتی که در خاورمیانه بکار برده شده است برای کوردها خوشایند نیست. سیستم وستفالیایی دولت های مستقل^{۱۲} در قرن هفدهم در اروپا گسترش یافت، و در سده نوزدهم بطور کامل در امتداد خطوط دولت-ملت تبلور یافت. این مفهوم بعد از جنگ جهانی اول در خاورمیانه بکار برده شد و نخبگان برای

7. Terminological debate

8. Gabriel Ben Dor (1999)

9. Compact

10. Diffused

11. Religious Millets

12. Sovereign states

تحکیم حکومت خود، در این واحده های تازه شکل گرفته، از آن استفاده نمودند. اما این موضوع برای کوردها به معنای یک تهدید موجودیتی بود. برخلاف دموکراسی های غربی، دولت های سرزمینی ملی^{۱۳} که در خاورمیانه ظهور نمودند فاقد هنجارهای دموکراتیک پایه ای، مؤسسه های پایبند به اصل حاکمیت قانون^{۱۴} و سازمان های پیش شرط جامعه مدنی بودند. وجود این ویژگی ها با هم باعث می شد تا که دولت-ملت ها قادر به کنترل قدرت اجرایی و یکپارچه سازی جوامع ناهمگونشان تحت لوای یک چارچوب سیاسی و قانونی واحد باشند. در نتیجه دولت های جدید در صدد انحلال هویتی کوردها و همچنین یکسان سازی آنها از طریق عرب سازی، ترک سازی و فارس سازی بودند.

کوردها می توانند بعنوان «ملت بدون دولت» طبقه بندی شوند. همچنین کوردها بزرگترین ملت بدون دولت در خاورمیانه و حتی شاید در تمام جهان هستند. از نظر تاریخی بیشترین دستاورد آنها تاسیس امیرنشین های نیمه خودمختار زیر نظر امپراطوری عثمانی در قرن شانزده تا اواسط قرن نوزده بود (Klein, 2019). حتی بعد آن امیرنشین های کورد تا اندازه ای خودمختاری اجتماعی و فرهنگی خود را حفظ کردند. بنابراین شکل گیری دولت-ملت جدید در قرن بیست دربرگیرنده پسرفت شدیدی برای کوردها بود. حتی محققین نیز در راستای حمایت از روایت تازه تاسیس دولت-ملت، کوردها را نادیده می گرفتند: دو مورد از درخشان ترین نمونه ها عبارتند از کتاب «عراق مستقل» مجید خدوری (۱۹۶۰)^{۱۵} و کتاب «ظهور ترکیه مدرن» برنارد لوئیس (۱۹۶۵)^{۱۶}، که هر کدام صرفاً یک صفحه را به کوردها اختصاص داده اند.

در سال های اخیر دسته بندی جدیدی بنام «دولت شناسایی نشده»^{۱۷} وارد واژگان روابط بین الملل شده است (Caspersen & Stanfield, 2011). در حال حاضر بیست دولت دوفاکتو (بالفعل) در جهان وجود دارد، دولت هایی که بصورت بین المللی شناسایی نشده اند و یا اینکه اساساً دولتی هستند در میان دولت های موجود (Caspersen & Stanfield, 2011; 1-8pp). دولت منطقه ای کوردستان (KRG) یک نمونه از دولت های دوفاکتو می باشد.

13. National territorial states

14. Rule of law

15. Majid Khadduri's Independent Iraq (1960)

16. Bernard Lewis' The Emergence of Modern Turkey (1965)

17. «An unrecognized state»

• مسؤلیت قرن بیستم^{۱۸}

علی رغم چند تکه شدن جامعه کوردی، کماکان آنها بطور ماهرانه و ضمنی بر همدیگر تاثیر متقابل می گذارند، که به نوبه خود یک اثر هم افزایی در کلیت سیستم فرعی کوردی ایجاد کرده است. پیشرفت در یک منطقه، مرکز ثقل کوردی را به آن منطقه منتقل خواهد کرد و همچنین بر روی دیگر نواحی نیز تاثیر خواهد گذاشت. بعنوان مثال جنگ کوردها در عراق در ۱۹۷۴-۱۹۷۶ بر ظهور پ.ک.ک در ترکیه در سال ۱۹۷۶ اثر گذاشت. در طول جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) فعالیت های ضد رژیم می، کوردها ابتدا در ایران، سپس در عراق و نهایتاً در ترکیه آشکار شد. جنگ خلیج (فارس) در سال ۲۰۰۳ و پس از آن تقویت دولت منطقه ای کوردستان در شمال عراق ماشه شورش کوردها در سوریه را کشید و همچنین موجب تشدید فعالیت های پ.ک.ک بعد از پنج سال وقفه گردید. علاوه بر این تشکیل منطقه خودمختار کوردی در سوریه در سال ۲۰۱۲ موجب تقویت جنبش ناسیونالیستی کوردی در ترکیه شد.

فاکتور دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد مهاجرت داخلی بین بخش های مختلف کوردستان است، پدیده ای که در حقیقت بوسیله جنگ ایجاد شده اما تاثیر مهمی بر فعالیت های فرامرزی کوردها داشته و به تبلور جنبش ناسیونالیستی کوردی کمک کرده است. این موج مهاجرت در دهه ۱۹۲۰، بعد از شکست قیام کوردها، از ترکیه به سوریه، در دهه ۱۹۴۰ از عراق به ایران، و در سال ۱۹۷۵ مجدداً از عراق به ایران و بعد از ناکامی قیام کوردها در عراق رخ داد. در پایان جنگ عراق و ایران موج دیگری از عراق به ترکیه، در سال ۱۹۹۱ و در پایان جنگ خلیج (فارس) از عراق به ایران که مجدداً قیام کوردها در عراق را احیاء نمود و از سال ۲۰۱۱ به این سو از سوریه به دولت منطقه ای کوردستان رخ داده است. مهاجرت به کشورهای خارج از خاورمیانه نیز نقش مهمی در ملت سازی کوردی و رساندن صدای کوردها به همه جای دنیا داشته است (Bengio & Maddy-Weitzman, 2013). در نهایت گرایش روبه رشدی در میان دیاسپوراهای کورد برای بازگشت به کوردستان، بویژه دولت منطقه ای کوردستان، جهت ملت سازی در آنجا وجود دارد. جمیل بایک یک رهبر جناح سیاسی پ.ک.ک از کوردهایی که به اروپا مهاجرت کرده و با آنهاست که توسط ترکیه مجبور به مهاجرت به مناطق شهری ترکیه شده اند خواست تا به روستاهای خود بازگردند او در این رابطه گفت: کوردها «سرزمین باستانی منتظر ما است».

تغییر در سرنوشت کوردها از دهه های پایانی سده بیستم آغاز شده است و از آن زمان روند مثبتی داشته

است که دلایل آن عبارتند از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و مشروعیت بخشیدن جامعه بین الملل به تشکیل دولت های جدید در قلمرو پیشین شوروی: سه جنگ خلیج (فارس) (۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۲۰۰۳، ۱۹۸۰) و در نتیجه تغییر در موازنه قدرت، افزایش اهمیت و مقبولیت بین المللی ارزش های تکثر گرایی فرهنگی و ناسیونالیسم اتنیکی، و مهمتر از همه به اصطلاح تحولات «بهار عربی» که در اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز و ادامه یافت تا اینکه در سراسر منطقه از جمله ترکیه، کشورهای غیر عرب و دموکرات نیز انعکاس یافت. نقطه ثقل همه این تحولات بیرون رفتن نیروهای آمریکا از عراق در اواخر سال ۲۰۱۱ و در نتیجه خلاء قدرت بود. این تحولات با همدیگر ترکیب شدند و اگر چه بطور جدی باعث تضعیف دولت-ملت های موجود شدند اما از سوی دیگر باعث تقویت بازیگران غیر دولتی خواهان استقلال، شدند. اولین نمونه موفقیت آمیز دارای گرایش استتال طلبی سوان جنوبی بود که در جولای سال ۲۰۱۱ مستقل شد.

کوردها اکنون در حال تجربه یک بیداری ملی و جنبش سراسری مانند آنچه عرب ها یکصد سال پیش تجربه کردند، هستند. چهار قسمت کوردستان، علی رغم تجربیات تاریخی مجزا، سیستم های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی متفاوت و همچنین اهداف سیاسی خاص اما شبیه سیستم اتصال رگ بدن انسان هستند. در واقع هریک از کوردستان بوسیله سیستم سیاسی دولتی خاصی که به آن متصل بوده شکل گرفته است. مانند گفتمان ناسیونالیستی عرب، ناسیونالیست های کورد نیز از تلاش خود برای رهایی از استعمار گرایی صحبت می کنند، اما منظور آنها از استعمار گران، قدرت های بزرگ غربی نیستند بلکه دولت های مستقل پسا استعماری و پسا امپراطوری هستند که کوردها در آن زندگی می کنند. همانطور که عصمت شریف وانلی^{۱۹} ناسیونالیست برجسته کورد در سال ۱۹۹۳ اعلام کرد:

«مردم کورد بیشتر از این قبول نمی کنند که آخرین مستعمره و مظلومترین مردم در روی زمین باشند. هر اندازه که هزینه داشته باشد، آنها تصمیم گرفته اند که مبارزه میهن پرستانه خود را برای خلاص شدن از استعمار و نژاد پرستی دنبال کنند، تا جایی برای خود در خاور (میان) داشته باشند. راه آنها مسیر دموکراسی در شرق نزدیک است. برای کوردها اهمیت ندارد که استعمار گر آنها سفید و یا قهوه ای و یا مسلمان و یا مسیحی می باشد. آنها تمایل دارند در کوردستان آزاد و دموکرات زندگی بهتری داشته باشند».

عبدالله او جالان رهبر پ.ک.ک استعمار گری را بصورت ذیل فرمول بندی می کند:

«از نظر سیاسی کوردستان تحت سلطه چهار دولت استعمار گر است که به امپریالیسم گره خورده اند. هر دولت با توجه به منافع خود و همچنین منافع انحصاری بین المللی اش، نقش مهمی در گسترش استعمار گرایی

در آن بخش از کوردستان که زیر سلطه اش است بازی می کند».

کاملاً روشن است که مفهوم سازی نقش دولت بعنوان یک نهاد استعمارگر پیچیدگی جدیدی به روابط کورد-دولت می دهد، بویژه زمانی که کوردها بدنبال مشروعیت بخشیدن به حرکت خود بسوی استقلال هستند درست همانند وقتی که دولت های عرب بدنبال آزادی خود از سلطه غرب بودند.

● ظهور زیر سیستم کوردی

یکی از مهمترین نشانه های وجود زیرسیستم کوردی را می توان در گفتمان در حال تحول کوردی یافت. در این گفتمان جدید در حال ظهور کوردستان بعنوان یک مجموعه واحد تصویر شده که به چهار بخش تقسیم شده است. کوردستان شمالی (باکور) که متناظر با مناطق کوردنشین ترکیه است، کوردستان جنوبی (باشور) اشاره به مناطق کوردنشین عراق، کوردستان شرقی (روژهلات) یا مناطق کوردنشین ایران و کوردستان غربی (روژآوا) که همان مناطق کوردنشین سوریه است. این واژه بسیار در میان کوردها رواج پیدا کرده بویژه در منطقه کوردنشین ترکیه که کلمه کوردستان برای چندین دهه یک تابو بود اما اکنون واژه باکور به راحتی مورد استفاده قرار می گیرد. بعنوان مثال کنفرانس کوردی که در جولای ۲۰۱۳ در دیاربکر شهر مرکزی منطقه کوردنشین ترکیه برگزار شد، از عنوان « کنفرانس وحدت و راه حل کوردستان شمالی (باکور) » استفاده شد. در حقیقت گفتمان کوردی در اوایل قرن بیستم نیز از این اصطلاحات جامع^{۲۰} استفاده می کرد. درست بعد از تقسیم رسمی مناطق کوردنشین میان چهار کشور و لشگرکشی برای ادغام و انکار آنها بود که مفاهیم جزئی و پراکنده کوردستان حتی در میان خود کوردها شکل گرفت. در نقطه مقابل، گفتمان رسمی دولتی موضع مخالف اتخاذ کرد، و از اصطلاحات دولت محور برای نشان دادن همان مناطق جغرافیایی استفاده نمود: برای مناطق کوردنشین ترکیه از واژه جنوب شرقی^{۲۱} و برای مناطق کوردنشین عراق از واژه شمال^{۲۲} استفاده می کردند.

گرایش جدید دیگری که در گفتمان کوردی رواج یافت، عبارت است از ایده فدراسیون کوردی که

20. Holistic terminology

21. güneydoğu

22. shimal

هر چهار قسمت کوردستان را شامل می‌شد. عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک. معمار این دیدگاه جدید است بویژه بعد از آنکه وی ایده یک کوردستان مستقل را رها کرد. براساس این مفهوم سازی، کوردها درحالیکه از یک خودمختاری دموکراتیک در چارچوب دولت‌های موجود بهره‌میرند همزمان می‌توانند بخشی از یک فدراسیون بزرگ کوردی باشند و در نتیجه دیگر نیازی نیست مرزهایشان را تغییر دهند. این دیدگاه در میان حامیان اوجالان در ترکیه و دیگر جاهای دنیا و همچنین در میان حزب اتحادیه دموکراتیک (PYD) که شاخه سوریه‌ای پ.ک.ک. است نیز رواج یافت. رسانه‌های جدید که توسعه بی‌سابقه در تعاملات بین مرزی را ممکن ساخته باعث گسترش این ایده‌ها در دیگر بخش‌های کوردستان شده است. ایده فدراسیون کوردی، علی‌رغم تمام ابهامات ذاتی آن، برای کاهش نگرانی دولت‌هایی که از جدایی طلبی کوردها می‌ترسند پیشنهاد شده است. اما در دولت منطقه‌ای کوردستان استقبال چندانی از ایده فدراسیون کوردی نشده است. کوردها در عراق در حال حاضر بخشی از یک فدراسیون با بغداد هستند، و در حال مانور برای حرکت از فدرالیسم به سوی استقلال هستند. همچنین نشانه‌هایی از ظهور یک زیرسیستم در سطح سیاسی وجود دارد. اول از همه، دولت منطقه‌ای کوردستان در عراق برای دیگر بخش‌های کوردستان و دیگر کوردهای جهان بطور همزمان بعنوان یک شبه دولت و یک مرکز سیاسی عمل می‌کند. این پویایی نوعی حسادت و رقابت میان دولت منطقه‌ای کوردستان و منطقه کوردنشین ترکیه و همچنین موجودیت خودمختار کوردی در حال ظهور در سوریه ایجاد کرده است. هنوز کوردها در همه جا با افتخار به دولت منطقه‌ای کوردستان نگاه می‌کنند و به آن بعنوان یک مدل برای تقلید می‌نگرند. دولت منطقه‌ای کوردستان برای بسیاری از کسانی که از آزار و اذیت و شکنجه کشور خود فرار می‌کنند به یک پناهگاه امن تبدیل شده است. در دو سال اخیر قریب به دویست هزار کورد از سوریه به آنجا پناه برده‌اند. حتی المانیتور مدعی است که مقامات کوردی به برخی از آنها شهروندی عراقی اعطاء کرده‌اند. دولت منطقه‌ای کوردستان به مرکزی برای کنفرانس و جلسات کوردها از سایر مناطق اصلی کوردنشین و یا جاهای دیگر، و همچنین بعنوان مرکز مغناطیسی برای کوردهایی که برای مشورت با مقامات دولت منطقه‌ای کوردستان به آنجا می‌آیند، و حتی محلی برای ایجاد سیاست‌های مشترک تبدیل شده است. آخرین نمونه از این نوع همکاری در چارچوب فرایند صلح ترک-کورد در اوایل سال ۲۰۱۳ به وقوع پیوست. ریس دولت منطقه‌ای کوردستان مسعود بارزانی نه تنها نقش مهمی در توافق میان دولت ترکیه و پ.ک.ک. بازی کرد بلکه دولت منطقه کوردستان همچنین موافقت نمود تا نیروهای پ.ک.ک. در قلمرو آن مستقر شوند. این حرکت با مخالفت شدید مقامات بغداد مواجه شد، چراکه آن را بعنوان نقض آشکار حاکمیت دولت عراق می‌دیدند. علاوه بر این حرکت

نیروهای پ.ک.ک به درون قلمرو دولت منطقه ای کوردستان احتمالاً باعث افزایش فعالیت های درون مرزی در این بخش از زیرسیستم کوردی خواهد شد، و همچنین به دولت منطقه ای کوردستان یک برگه چانه زنی در مقابل ترکیه عطاء خواهد کرد.

زیر سیستم کوردی در عرصه نظامی-امنیتی نیز تجلی یافته است. دولت منطقه ای کوردستان نیروهای گریلای پیشین خود یعنی پیشمرگه ها را به یک ارتش متعارف تبدیل نموده که شامل دویست هزار سرباز و تسلیحات سنگین شامل «یک ناوگان بزرگ از تسلیحات ساخت روسیه که از دوران صدام حسین باقیمانده است»، و همچنین تانک هایی که از جنگ های سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ به غنیمت گرفته شده، می باشد. علاوه بر این دولت منطقه ای کوردستان برای دیگر گروه های مبارز کورد که در سه بخش دیگر کوردستان فعال هستند پایگاه هایی را مهیا نموده است. صرفاً پ.ک.ک از این پایگاه ها استفاده نمی کند بلکه دیگر گروه های کوردی مانند حزب زندگی آزاد کوردستان (پژاک) و دیگر گروه ها از ایران، و همچنین سازمان فراگیر شورای ملی کورد^{۲۳} سوریه نیز در دولت منطقه ای کوردستان دارای پایگاه هستند. دولت منطقه ای کوردستان حتی این اواخر شروع به آموزش کوردهای سوریه نموده است با این دیدگاه که آنها را به منطقه خودمختاری کوردی در سوریه بفرستد. بارزانی ضمن تایید وجود کمپ های آموزشی برای کوردهای سوریه اظهار نمود که «تعداد بسیاری از کوردهای جوان که فرار (از سوریه) کرده اند آموزش دیده اند». این موضوع اگرچه باعث اختلاف میان دولت منطقه ای کوردستان و «پی وای دی» گردید اما همچنین نشان می دهد که اکنون مرزهای میان همه بخش های کوردستان بسیار نفوذ پذیر شده است و به همین دلیل است که دولت منطقه ای کوردستان مصمم است تا در دیگر مناطق کوردستان بزرگ اعمال نفوذ کند.

گسترش سریع زبان کوردی باعث تقویت هویت جمعی کوردی در چند سال اخیر شده است. علی رغم اینکه کشورهای میزبان کوردها در بخش بیشتر قرن بیستم زبان کوردی را غیر قانونی اعلام نمودند، اما زبان کوردی به شیوه ای بی سلبه ای شکوفا شده و در نتیجه، یک عامل وحدت بخش برای همه کوردها شده است. علی رغم ناهمگونی زبانی و وجود سه گویش اصلی کرمانجی، سورانی و زازا و همچنین سه رسم الخط عربی، لاتین و سیریلیک جنبه وحدت بخشی زبان کوردی به یک واقعیت تبدیل شده است. در ترکیه سرکوب زبانی شدید تر بوده و استفاده از زبان کوردی و حتی افتتاح کانال تلویزیونی کورد زبان TRT6 نیز ممنوع اعلام شد بود. بنابراین نمی توان گسترش زبان کوردی را کم ارزش دانست، زیرا در کنار قلمرو تاریخی کوردستان، برای کوردها زبان مهم ترین نماد ملیت محسوب می شود (Van Bruinessen, 2000).

کوردها همچنین دارای نمادهای مشترکی مانند رنگ زرد در وسط پرچم شان، که مظهر خورشید است: و سرود مشترک هستند، آنها همچنین دارای صفات مشترکی هستند که براساس اشعار دیوان مم وزین^{۲۴}، که توسط احمد خانی^{۲۵} در اواخر قرن هفده نگاشته شده است، شکل گرفته است.

در سطح سازمانی، اکنون یک سازمان کوردی فراگیر مستقر در بروکسل وجود دارد که وظیفه اصلی آن ارتقاء منافع کوردها می باشد. کنگره ملی کوردستان^{۲۶} (KNK) ائتلافی از تمام سازمان های کوردی سراسر اروپا است که بر اساس اعلان رسمی و سایت آن، هدف اصلی اش عبارت است از «لابی کردن در میان دولت های ملی، اتحادیه اروپا، سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی و همچنین افزایش آگاهی درباره وضعیت کوردستان از طریق رسانه ها و انجمن های عمومی». در حقیقت، لابی قدرتمند و پویای کنگره منجر به اروپایی شدن^{۲۷} موضوع کورد شده است.

● بهار کوردی در بافت منطقه^{۲۸}

موازی با «بهار عربی» یک «بهار کوردی» نیز وجود داشته است، هرچند یک مقدار کم سر و صداتر، که بیشتر کوردستان بزرگ را دربر گرفته است. مخرج مشترک^{۲۹} چهاربخش کوردستان عبارت بوده است از تلاش برای تضعیف پایه های ایدئولوژیک کشورهای که در آن ساکن هستند، مطالبه اشکال مختلف خودمختاری مانند خودمختاری کامل^{۳۰}، تشکیل فدراسیون با دولت مادر و همچنین کنفدراسیون میان همه بخش های کوردستان.

یک مقایسه اجمالی میان جنبش مردمی عربی و کوردی چندین تفاوت مهم را برجسته می کند. در حالیکه جنبش های عربی مردمی نظم موجود سیاسی در کشورهای خود را به چالش می کشیدند، اما جنبش های کوردی بنیان های هویت ملی و تمامیت ارضی کشورهای که ساکن بودند را به چالش می کشیدند.

24. Mem u Zin

25. Ahmed Xani

26. Kurdistan National Congress (Kongra Netewiya Kurdistan)

27. Ueropenization

28. Kurdish spring in the regional context

29. Common denominator

30. Broad autonomy

علاوه بر این برخلاف دولت های عربی که قیام های انقلابی را تجربه می کردند، اسلام سیاسی ریشه های عمیقی در جوامع کوردی نداشته است. بعنوان مثال در دولت منطقه ای کوردستان احزاب اسلامی صرفاً شانزده درصد آرا از انتخابات سپتامبر سال ۲۰۱۳ را بدست آورده اند. در حالیکه در دولت های عربی شورش ها باعث شکاف های عمیقی در جوامع شان شده است، اما علی رغم رقابت های موجود بین مناطق کوردی و کوردهای ساکن آن مناطق، یک نوع گرایش فزاینده ای به سمت وحدت در جوامع کوردی وجود داشته است. به همین ترتیب، دیاسپورهای کورد نقشی اساسی در جلب توجه جهانیان به مسئله کورد داشته اند، اما در مقابل دیاسپورهای عرب چنین نقشی را ایفا نکرده اند. نقش های مختلف رسانه های جدید در «بهارهای» عربی و ترکی نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. هر چند رسانه های جدید نقش مهمی در فوران قیام عرب داشتند، اما آنها نقش فراگیر حیاتی در مفصل بندی و گسترش جوهره واقعی پروژه هویت ملی کورد داشته اند. از جمله پیامدهای تحولات اخیر این بوده که نقش زنان کورد در سیاست بسیار چشمگیر تر از زنان عرب بوده است. بعنوان مثال در مصر بعد از حسنی مبارک درصد زنان در پارلمان از دوازده به دو کاهش یافت در حالیکه در دولت منطقه ای کوردستان سی درصد از یکصد و یازده عضو پارلمان را زنان تشکیل می دادند. نقش سیاسی زنان در کوردستان ترکیه و سوریه حتی چشمگیر تر از دولت منطقه ای کوردستان بوده است. بعنوان مثال در ساختار سیاسی و نظامی پ.ک.ک. و پی.وای.دی ریس-مشترک های زن^{۳۱} وجود دارد که در کنار مردان به انجام وظیفه می پردازند.

● چالش های چند گانه نسبت به دولت-ملت

کوردها دولت هایی که در آن ساکن هستند را با چندین چالش اساسی مواجه کرده اند. این چالش ها عبارتند از: همکاری بین مرزی فزاینده میان کوردها، تسری تحولات در یک منطقه از کوردستان به بخش های دیگر، و تحکیم جنبش های ملی کوردی در سرتاسر کوردستان بزرگ. علاوه بر این نسل جدیدی از متفکران جوان کورد اصلاح مطالعات کوردی و همچنین توسعه یک ضد-روایت^{۳۲} علیه نظریه غالب ملت-دولت را آغاز نموده اند. در مجموع نسل جوان تر کورد یک عامل دیگر نگرانی برای مقامات مرکزی در آنکارا، تهران، بغداد و دمشق

31. Women co-chairs

32. Counter-narrative

هستند، نسلی که آگاهی کوردی آنها بسیار گسترده تر از نسل های قبلی است و این مساله ناشی از این است که این نسل امروزه بیشتر در معرض رسانه های جمعی هستند. به نظر می رسد نسل جدید تمایلی به قبول ادامه وضعیت (شهروندی) درجه دوم که بصورت سنتی توسط مقامات دولتی به آنها اعطاء شده ندارد و مطالبات کوردی خود را بسیار صریح تر بیان می کنند. مسئله کورد صرفا وحدت دولت های عراق و سوریه، که از همان آغاز بی انسجام بودند، را به چالش نکشیده است، بلکه ترکیه و ایران که مجموعه های به مراتب منسجم تر و قوی تر هستند را نیز به چالش کشیده است. ماهیت، میزان و دامنه چالش کوردی بطور همزمان از یک دولت به دولت دیگر متفاوت است. در ترکیه ساختار واقعی جامعه ترکیه دچار مشکل شده است. و در مقابل، به نظر می رسد یک «دولت موازی»^{۳۳} بطور مداوم در حال گسترش است. در سوریه منطقه خودمختاری که کوردها برای خود ایجاد نموده اند ظاهرا از مدل دولت منطقه ای کوردستان پیروی می کند، بویژه که هیچ پایان و چشم اندازی برای جنگ شهری سوریه نمی توان ترسیم کرد. در عوض هر اندازه جنگ بیشتر طول بکشد شانس کوردها برای بدست آوردن خودمختاری اساسی بیشتر است. کوردها در ایران اگرچه به نظر آرام تر از کوردهای دیگر مناطق هستند، اما آنها در واقع آتش زیر خاکستر هستند^{۳۴}. کوردها در ایران اساسا گرفتار یک کشمکش مذهبی-سیاسی با دولت هستند، عبارت دیگر هم بدلیل سنی بودن وهم کورد بودن قربانی سیاست های جمهوری اسلامی شده اند. این موضوع بسیار مهم است که کوردها پیش از واقعه انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ تاریخچه ای طولانی از نزاع و درگیری با دولت داشته اند. در همین ایران بود که جمهوری کوتاه مدت مهاباد در اوایل سال ۱۹۴۶ تاسیس گردید (؛ 2011Vali). اپوزسیون کورد ایرانی امروزه خواهان پایان دادن به دولت اسلامی و تاسیس سیستم فدرال مانند عراق است.

کوردهای عراق نیز یک چالش عمیق برای همبستگی و یکپارچگی سرزمینی دولت عراق ایجاد کرده اند، که در نتیجه تبدیل به یک پیش قراول و مدل تقلید برای کوردهای دیگر مناطق شده است. شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی که وقوع این تحولات در عراق را تسهیل نمود عبارتند از: اول، با پایان جنگ جهانی اول بریتانیای کبیر به تشویق ناسیونالیسم کوردی در ولایت موصل که دارای اکثریت جمعیتی کورد بود، پرداخت. اما بریتانیا بلافاصله از انجام پروژه اش منصرف شد: در سال ۱۹۲۵ بریتانیا تصمیم گرفت تا موصل را به دولت عراق ضمیمه کند. البته برعکس، این تصمیم نتوانست ناسیونالیسم اولیه کوردی را خاموش کند.

33. Parallel state

34. There are distinct rumbling just below the surface

در حقیقت همانطور که شیرکو کرمانج^{۳۵} در کتاب اخیرش شرح داده است، پس از تاسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۰ ناسیونالیسم عربی و کوردی بطور موازی گسترش یافتند (Kirmanj, 2013).

عامل مهم دوم، دولت عراق باستثناء دوره های کوتاه مدت، که آن هم از طریق اعمال خشونت وحشیانه حاصل شده، همواره از ضعف و ناتوانی در تثبیت کنترل بر منطقه کورد نشین آزار دیده است. برخی ممکن است استدلال کنند که این مسئله در مورد سوریه نیز صدق می کند، زیرا دولت سوریه نیز مانند عراق ضعیف است. اما کوردهای عراق در مقایسه با برادران شان در سوریه چند مزیت دارند. درصد جمعیت کوردهای عراق نسبت به کل جمعیت بسیار بیشتر از کوردهای سوریه است، قلمروی که کوردهای عراق ساکن هستند بسیار بزرگتر است، و همچنین کوردهای عراق در کوهستان های مرتفع زندگی می کنند که حکومت کردن بر آنها را برای دیگران دشوار نموده است.

دولت منطقه ای کوردستان در حال حاضر تمام نشانه های یک دولت را دارد. و در حقیقت تمام معیارهایی قید شده در کنوانسیون مونتو ویدیو سال ۱۹۳۳ درباره حقوق و وظایف دولت را دارا می باشد. (الف) جمعیت دائمی (ب) قلمرو مشخص (ج) حکومت و (د) توانایی برقراری ارتباط با دیگر دولت ها. درباره معیار اول حدود پنج میلیون کورد در دولت منطقه ای کوردستان زندگی می کنند. اقلیت هایی مانند مسیحیان، ترکمن ها و ایزدی ها وجود دارد که دولت منطقه ای کوردستان تعهد داده که با آنها رفتار برابری داشته باشد و بدنبال یکسان سازی اجباری آنها نباشد. به لحاظ قلمرو، دولت منطقه ای کوردستان با توافق دولت مرکزی عراق بر سه استان حکومت می کند که عبارتند از هولیر (ارییل)، سلیمانیه و دهوک. اما هولیر و بغداد بر سر کرکوک که سرشار از منابع نفت و گاز است اختلاف نظر دارند. این موضوع دعوا ممکن است عامل اصلی تفرقه، خشونت و یا مسائل دیگر باشد. بخش کوردنشین عراق بسیار بهتر از بخش های عرب نشین اداره می شود، و دولت منطقه ای کوردستان با ثبات و از نظر اقتصادی در حال ترقی است. همچنین روند دموکراتیزاسیون در دولت منطقه ای کوردستان سریعتر از بخش عرب عراق در حال پیشرفت است. در حقیقت، مانند یک قانون، واحد های شناسایی نشده به ارتقاء هنجارهای دموکراتیک بعنوان یک استراتژی نگاه می کنند تا از این طریق شانس خود را برای شناسایی بین المللی و حفظ وضعیت استقلال دفاکتو افزایش بدهند (Caspersen, 2011).

● بطور خلاصه: نقاط قوت و ضعف کوردها

پیوند تحولات منطقه ای با تغییرات گسترده در زیرسیستم کوردی باعث شکل گیری یک نقشه ژئوپلیتیکی جدید شده که در آن دولت ملت های جدید تضعیف و بازیگران اتنیکی-ملی تقویت شده اند. در عراق اندیشه دولت-ملت عربی-عراقی متحد و متمرکز دیگر متعلق به گذشته است و به جای آن دو دولت دوفاکتوی کوردستان و عراق عربی وجود دارد. در سوریه جنگ هنوز در جریان است اما یک مسئله قطعی است و آن این است که کوردهای سوریه، که در مقایسه با کوردهای دیگر مناطق کمتر دیده می شدند، در مدت زمانی کوتاه بعد از گسترش قیام در سوریه در مارس سال ۲۰۱۱ خود را بر جغرافیای منطقه تحمیل کردند. بنابراین به نظر می رسد خودمختاری که آنها برای خود مهیا کرده اند، فارغ از اینکه رژیم بعث در قدرت بماند یا نه، ممکن است به خوبی ماندگار شود. همچنین کوردهای ترکیه در میانه یک فرایند صلح با دولت حزب عدالت و توسعه هستند. در این مدت آنها در مناطقی که نفوذ دولت کاملاً ضعیف است یک دولت موازی تاسیس نموده اند. کوردهای ترکیه قطعاً مفهوم هژمونیک دولت-ملت موجود که وجود جمعی آنها را انکار می کند کما که به چالش خواهند کشید. کوردهای ایران، که در ظاهر مطیع هستند، در واقع بسیار تحت تاثیر حوادث دیگر بخش های کوردستان بزرگ هستند و خواهان سقوط دولت اسلامی و استقرار سیستم دولت فدرال بوده اند.

یک تغییر دیگر در زیر سیستم کوردی و همچنین رابطه میان چهار دولت خاورمیانه ای که کوردهای بسیاری در آنها ساکن هستند، رخ داده است. در گذشته غالباً اتحادیهایی میان دو یا چند دولتی که کوردها در آن ساکن هستند جهت محدود کردن جنبش های مبارز کوردی شکل می گرفت، اما بعد از تحولات چند سال اخیر به نظر می رسد که این دولت ها دیگر قادر به انجام آن نیستند. تغییری اساسی در نقشه ژئوپلیتیک رخ داده است، کوردها دیگر مخرج مشترک و دلیل گسترش همکاری میان دولت ها نیستند، بلکه امروزه برعکس آن صادق است. بعنوان مثال ترکیه ترجیح داده است تا بجای دولت عراق خود را با کوردستان عراق متحد سازد. ایران از فرایند صلح کورد-ترک چشمگین می باشد و اگر تصمیم بگیرد روند صلح را متوقف کند این آماده گی را دارد تا به پ.ک.ک کمک کند. تصمیم ترکیه برای ایستادن در مقابل رژیم سوریه منجر به تقویت پ.ک.ک در ترکیه و پی.وای.دی در سوریه شده است، تا آنجا که آنها به آنکارا فشار آوردند تا مذاکرات صلح با پ.ک.ک را آغاز نماید و همچنین به سمت دولت منطقه ای کوردستان جهت آرام ساختن جامعه کوردی در سوریه و ترکیه گرایش پیدا کند.

بسته به اهمیت دستاوردهای کوردها در دهه اخیر، دولت های موجود ممکن است بدنبال بهره برداری از نقاط ضعف کوردها به امید گذار از این طوفان باشند. این نقاط ضعف عبارتند از: اول، هدفی با عنوان متحد کردن تمام کوردها وجود ندارد. علاوه بر این، اهداف متنوع کوردها همواره در حال تغییر است. بعنوان مثال، حزب دموکرات کوردستان همواره میان اهداف خودمختاری، فدرالیسم و استقلال در حال نوسان است. همچنین پ.ک.ک هدف خود از استقلال را به خودمختاری دموکراتیک تغییر داده است. مشکل دیگر رقابت میان بارزانیسم و اوجالانیسم برای رهبری جنبش پان کوردیسم است. و سرانجام، کوردها فاقد حمایت بین المللی پایدار هستند، بویژه دولت آمریکا که به حمایت از مفهوم غیر واقعی یکپارچگی سرزمینی عراق که یکی از دولت های شکست خورده منطقه است، کماکان ادامه می دهد.

در اصل، این کوردها هستند که دارای یک دستور کار برای منطقه کوردستان بزرگ هستند و انسجام دولت های موجود منطقه را تهدید می کنند. و این ترس دولت های قرن بیستمی است که به سرعت در حال تبدیل شدن به یک واقعیت در قرن بیست و یکم می شود.

فهرست منابع

Ben Dor, G. (1999), "Minorities in the Middle East: Theories and Practices." In Ofra Bengio and Gabriel Ben Dor (eds), *Minorities and State in the Arab World*. Bulder, Co: Lynne Rienner, pp. 1-30.

Bengio, o. & Maddy-weitzman, B. (2013). "Mobilized Diasporas: Kurds and Berbers in the Comparative Perspectives." *Kurdish Studies* 1 (1) (October): pp. 65-90.

Caspersen, N. & Stansfield, G. eds, (2011). *Unrecognized States in the International System*. London: Routledge.

Caspersen, N. (2011). "States Without Sovereignty." In Nina Caspersen & Gareth Stansfield (eds.) *Unrecognized States in the International System*. London: Routledge, pp. 77.

Gunes, C. (2012). *The Kurdish National Movement in Turkey: From Protest to Resistance*. New York: Routledge, p. 84.

Khadduri, M. (1960). *Independent Iraq*. London: Oxford University Press, pp. 60-61.

Kirisci, K. & Winrow, G. (1997). *The Kurdish Question and Turkey*. London: Frank Cass Publishers, pp. 44-45.

Kirmanj, S. (2013). *Identity and Nation in Iraq*. Boulder, Co: Lynne Rienner.

Klein, J. (2011). *The Margins of Empire: Kurdish Militias in the Ottoman Tribal Zone*. Stanford, CA: Stanford University Press. pp, 52-60.

Lewis, B. (1965). *The Emergence of Modern Turkey*. London: Oxford University Press, pp. 260-261.

Vali, A. (2011). *Kurds and the State in Iran: the Making of Kurdish Identity*. London: I.B. Tauris, pp. 49-81.

Van, Bruijssen, M. (2000). "Transnational Aspects of the Kurdish Question." Working paper, Robert Schuman Centre for Advanced Studies, European University Institute, Florence.